

دیپلمات‌ها



ادعای گروسی: ایران شفافیت ندارد

رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مدعی شد که ایران درباره برنامه هسته‌ای خود «تماماً شفافیت به خرج نمی‌دهد». به گزارش ایسنا، گروسی در نشستستی در دوی به اظهارات «علی‌اکبر صالحی» رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی ایران اشاره داشت که گفته بود: «در حال حاضر، همه آستانه‌های علم و فناوری هسته‌ای را داریم.» او مدعی شد: «ایران وجهی از خود را به نمایش گذاشته است که در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای آن، تماماً شفاف نیست. مسلماً، این موجب بالا رفتن خطرهای می‌شود.» مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همچنین گفت: «مذاکرات بی‌فایده‌ای درباره تسلیحات هسته‌ای و موارد بیشتر وجود دارد، از جمله ایران در مدت اخیر. در واقع، یک مقام رسمی بلندپایه گفت که ما همه چیز داریم، هنوز سرهم‌بندی نشده‌اند. لطفاً بگذارید بدانم چه دارید.»



دیدارهای امیر عبداللہیان در قطر

حسین امیر عبداللہیان که در رأس هیئتی و در مقصد سوم سفرش به منطقه در دوحه حضور دارد، دیروز (سه‌شنبه) ۲۴ بهمن‌ماه با شیخ تمیم آل‌ثانی امیر قطر دیدار و گفت‌وگو کرد. امیر عبداللہیان در این دیدار با ابلاغ سلام ابراهیم رئیسی به امیر قطر، روابط و همکاری‌های دو کشور در حوزه‌های مختلف را بسیار خوب توصیف کرد و گفت: اجرای کامل توافقات انجام شده در دیدار رؤسای دو کشور، زمینه‌ساز تقویت بیش از پیش مناسبات دوستانه و برادرانه ایران و قطر خواهد بود. وزیر امور خارجه با تشکر از نقش میانجیگرانه و خیرخواهانه قطر در برخی موارد و موضوعات خاص مرتبط با ایران، همکاری‌های دو کشور در خصوص مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی را سازنده و تقویت‌کننده صلح و ثبات و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی توصیف کرد. امیر قطر نیز ضمن ابراز خرسندی از این دیدار و ابلاغ سلام گرم خود به ابراهیم رئیسی، از عمق روابط دوستانه و برادرانه ایران و قطر ابراز خرسندی کرد و گفت: روابط دو کشور هیچگاه تا این حد به یکدیگر نزدیک نبوده و این نشان می‌دهد که ما و شما در پیشبرد روابط دوستانه و سازنده دو کشور موفق بوده‌ایم. وی آخرین نتایج حاصله از تلاش‌های دیپلماتیک قطر برای تحقق آتش‌بس و یافتن راه‌حل سیاسی برای بحران غزه را تشریح کرد. امیر عبداللہیان بعداً ظهر دیروز با اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس هم دیدار و گفت‌وگو کرد.



استقبال ارمنستان از مشارکت ایران در پروژه‌های این کشور

گنل سانوسیان، وزیر اداره اراضی و زیرساخت‌های ارمنستان روز دوشنبه به احتمال افزایش حجم گاز ایران و کشورش اشاره کرد و افزود، ایران به‌عنوان کشور همسایه می‌تواند در پروژه‌های این کشور مشارکت داشته باشد. به گزارش فارس، سانوسیان گفت: «خطوط جدید انتقال نیرو در حال ساخت است تا بتوان حجم بیشتری از برق به ایران صادر کرد. هر دو طرف تمایل به افزایش حجم دارند و تغییرات در مراحل مختلف قابل مشاهده خواهد بود.» وی در خصوص مشارکت ایران در پروژه‌های این کشور گفت: «ایران با داشتن شرکت‌های ساختمانی بسیار توسعه‌یافته می‌تواند در برنامه‌های ساخت و ساز ما مشارکت داشته باشد و در مواردی این کار را انجام داده است.»

نسل کشی شده است. در سطح بین‌المللی آمریکا وضعیت حیثیتی مناسبی ندارد و ترجیح می‌دهد که جبهه تازه‌ای باز نکند.

کلید حل مسئله در تهران است. به نظر من ایران باید تصمیم جدی برای پایان دادن به این تنش بگیرد. مسئله اینجاست که رویکرد سیاست خارجی ایران منافع اقتصادی و توسعه‌ای کشور را نادیده می‌گیرد. ایران با رویکردی مشابه اپوزیسیون در صحنه بین‌المللی، نمی‌تواند به توسعه دست پیدا کند. ایران باید جهت‌گیری سیاست خارجی خود را تغییر دهد. ایران اگر نگویم چرخش ۱۸۰ درجه‌ای بلکه لازم است چرخش دست‌کم ۹۰ درجه‌ای در رویکرد سیاست خارجی خود ایجاد کند. تهران باید سیاست دشمنی با آمریکا را کنار بگذارد و از این فضای «نه جنگ و نه مذاکره» خارج شود. این سیاست به ضرر منافع ملی ماست و این ایران است که باید این سیاست را تغییر دهد. ولو اینکه تهران حتی نخواهد با واشنگتن رابطه داشته‌باشد، باز هم باید رویکرد تازه‌ای در سیاست خارجی‌اش در پیش بگیرد که منافع توسعه‌ای ایران را تأمین کند. ایران باید از رویکرد سیاست‌محور (Political Oriented) به سمت رویکرد اقتصادمحور (Economic Oriented) حرکت کند. ما به دنبال این بودیم که سال ۱۴۰۴ از لحاظ اقتصادی به قدرت اول منطقه تبدیل شویم، اما با این سیاست نه تا سال ۱۴۰۴ بلکه تا سال ۱۴۲۴ هم به این هدف نمی‌رسیم.

ضرورت چرخش در سیاست خارجی ایران



علی ماجدی
سفیر پیشین ایران در آلمان

به قول خودشان گروه‌های نیابتی ایران را هدف قرار دهند. با توجه به اینکه آمریکا در سال انتخابات قرار دارد، بعید است که در طول امسال، اگر همه متغیرها به همین شکل که هست باقی بماند، بسیار دور از ذهن است که واشنگتن تا زمان برگزاری انتخابات بعدی وارد درگیری مستقیمی با ایران بشود. هر دو طرف آمادگی برای چنین شرایطی را دارند، اما بعید است که هر یک از دو طرف اشتباه استراتژیک بزرگی مرتکب شوند که به جنگ منتهی شود و اگر هم چنین اتفاقی بیفتد به نظر نمی‌رسد که دو طرف وارد جنگ تمام‌عیار شوند، بلکه ترجیح می‌دهند با استفاده از حملات محدود و کوتاه‌مدت واکنش نشان دهند. قابل تصور نیست که واکنشی مشابه جنگ‌هایی که آمریکا در مقابل عراق یا افغانستان انجام داد در مقابل ایران تکرار شود. با توجه به اینکه جنگ روسیه و اوکراین در جریان است و همچنان جنگ غزه ادامه دارد، آمریکا آمادگی ایجاد یک جبهه جدید را ندارد. هر دو جنگ جاری بسیار گسترده و خشن هستند و در غزه کار از جنگ گذشته و وارد فاز

سیاست ما در مقابل آمریکا سیاست مشخصی است، یعنی حاکمیت ایران اعلام کرده است که در شرایط فعلی نه می‌خواهد بجنگد و نه می‌خواهد مذاکره کند. آمریکا هم با توجه به شرایط فعلی قصد ندارد با ایران وارد جنگ شود. در مجموع اگر آمریکا می‌خواست با ایران وارد جنگ شود، بهانه‌های مختلفی داشت که آخرین‌اش هم کشته‌شدن سه نظامی آمریکا در مرز اردن و سوریه توسط گروه‌های منتسب به ایران بود. مشاهده کردیم که بعد از اینکه آمریکایی‌ها مدت‌ها روی واکنش به این واقعه فکر کردند به این نتیجه رسیدند که

توافق نانوشته برای مدیریت تنش



علم صالح
استاد دانشگاه ملی استرالیا

خرسند خواهند شد، چراکه ممکن است شروع درگیری با ایران دست آمریکا باشد، اما پائانش دست این کشور نخواهد بود. آمریکا در ۲۲ سال گذشته خاطرات بسیار تلخی از خاورمیانه دارد و متوجه شده است که بمباران و موشک‌باران نمی‌تواند اهداف آمریکا را محقق کند؛ واشنگتن این موضوع را در افغانستان، یمن، عراق، سوریه و حتی لیبی به عینہ دریافت. این مسئله باعث شده است که افکار عمومی آمریکا و جامعه جهانی در مقابل چنین اقدام‌هایی به دولت آمریکا فشار وارد کنند. امروز ما در جنگ غزه هم شاهد هستیم که در درازمدت قدرت نظامی به تنهایی تعیین‌کننده نیست. به همین دلایل من هرگونه جنگ گسترده بین ایران و آمریکا را منتفی می‌دانم. در مورد ایران هم شرایط کاملاً واضح است که با در نظر گرفتن شرایط داخلی و به‌ویژه وضعیت اقتصادی، تهران به‌هیچ‌وجه مایل نیست وارد درگیری‌ای شود که به راحتی می‌توان از آن اجتناب کرد.

فارغ از اینکه گفت‌وگوی مستقیم را به‌عنوان بهترین راه‌حل در نظر بگیریم، به نظر من دو طرف باید رویکرد خودشان را نسبت به منطقه تغییر دهند و فهم خود را از تهدید متحول کنند. آمریکا باید واقعیت‌های خاورمیانه را بپذیرد. ایران هم به‌همچنین باید واقعیت‌های منطقه را قبول کند. واقعیت این است که ما با خاورمیانه‌ای جدید مواجه هستیم که لازمه این خاورمیانه جدید، یک نسخه امنیتی، سیاسی و یا حتی اقتصادی جدید است. این مسائل با رویکردهای سنتی نظامی محور برای مواجهه با مشکلات، حل‌وفصل نمی‌شوند. فهم واشنگتن و تهران از خاورمیانه باید دچار تحول شود. چیزی که بین ایران و آمریکا در خاورمیانه رخ می‌دهد، ایجاد توازن قدرت نیست بلکه ایجاد توازن تهدید است. دو طرف تهدیدهایی را علیه یکدیگر در منطقه ایجاد کرده‌اند که باعث شود طرف مقابل به دلیل نگرانی از این تهدیدها تمایلی به ورود به یک جنگ گسترده نداشته‌باشد. به همین خاطر است که من فکر می‌کنم این رویکرد باید تغییر پیدا کند. راهکار تحویل رویکرد دو طرف از طریق گفت‌وگو و از طریق به رسمیت شناختن دغدغه‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی طرف مقابل می‌شود. آمریکا باید بپذیرد که اشتباه‌های تاریخی‌اش در منطقه منجر به قدرت گرفتن ایران شده است. ایران هم از طرف دیگر باید بپذیرد که تبدیل شدن به یک قدرت هم‌زمن در منطقه همیشه تهران را، چه از طرف قدرت‌های جهانی و چه از طرف قدرت‌های منطقه‌ای، در معرض خطر قرار خواهد داد. قدرت هم‌زمن ایران در منطقه هیچ‌کس را خوشحال نخواهد کرد. به نظر من مسئله بیشتر رویکرد است تا رفتارهای عملی و اجرایی.

به نظر من گفت‌وگو میان ایران و آمریکا از طریق واسطه‌های منطقه‌ای در جریان است و نمی‌توان گفت که گفت‌وگویی میان طرفین وجود ندارد. نه فقط گفت‌وگو میان دو طرف وجود دارد، بلکه توافق‌هایی بین تهران و واشنگتن شکل گرفته است که نه فقط جلوی تشدید تنش را بگیرد، بلکه به‌طور مستقیم با یکدیگر درگیر نشوند. احتمالاً در این مورد توافق نانوشته‌ای وجود داشته‌باشد که البته تفسیرهای مختلف از آن ممکن است باعث بروز مشکلاتی شده‌باشد یا اینکه خواسته یا ناخواسته دو طرف خط‌های قرمزی را که برای هم ترسیم کرده‌اند، زیر پا بگذارند. اما آن چیزی که باعث شده است تنش‌ها آنگونه که تصور می‌شد بالا نرود، این بود که هم تهران و واشنگتن به شکل عقلانی (از منظر روابط بین‌الملل) از عواقب هرگونه رودررویی مستقیم آگاه باشند و بدانند که نه هیچ‌یک از این دو کشور و نه کلیت منطقه تاب تحمل یک جنگ طولانی منطقه‌ای را ندارد.

به نظر من ریسک رویارویی مستقیم وجود ندارد. من نمی‌توانم تصور کنم که مواجهه‌ای مستقیم اتفاق بیفتد یا حمله‌ای به ایران انجام شود. دلایل این امر هم بسیار ساده است. دلیل نخست این است که ایران کشوری در آستانه اتمی شدن است و هرگونه حمله نظامی غیرموجه به ایران می‌تواند یک بار برای همیشه ایران را مجاب کند که به سمت اتمی شدن میل کند. مسئله این است که هر حمله‌ای از سوی آمریکا یا هر طرفی دیگر به ایران به لحاظ حقوق و عرف بین‌الملل غیرموجه است، چراکه ایران مستقیماً هیچ دخالتی در وقایع چند ماه اخیر منطقه نداشته است و این گروه‌های غیردولتی منطقه‌ای بوده‌اند که دست به اقدامات تهاجمی زده‌اند. هرچند از منظر غرب این گروه‌ها منتسب به ایران هستند، اما اینگونه انتساب‌ها نمی‌تواند ایران را هدفی مشروع تلقی کند. دلیل دومی که باعث می‌شود حمله به ایران دور از ذهن باشد، قدرت نظامی ایران است. ایران از لحاظ نظامی دست‌کم تا شعاع ۲۰۰۰ کیلومتر امکان ضربه زدن به منافع آمریکا را دارد. آمریکا هنوز ۵۰ هزار سرباز در منطقه دارد که هرچند پراکنده هستند، اما در تیررس موشک‌ها و پهپادهای پیشرفته ایرانی هستند. دلیل سوم این است که آمریکا در سطح جهان به‌شدت با مسائل مهم‌تری دست‌وپنجه نرم می‌کند. اگر قرار باشد واشنگتن وارد یک نبرد تازه شود، رقبای واشنگتن بسیار

بهترین راهکار: تماس مستقیم



باربارا اسلاوین
پژوهشگر اندیشکده مرکز استیمسون

تهران و واشنگتن است. من معتقدم در شرایط کنونی ایران منتظر است ببیند آیا بایدن بار دیگر به ریاست‌جمهوری انتخاب می‌شود یا نه و به همین دلیل بعید است که دو طرف بتوانند به یک توافق جدی و وسیع دست پیدا کنند. به‌رغم این موضوع ایجاد ارتباط میان دو طرف حیاتی است و حتی اگر ممکن باشد لازم است تنش‌زدایی در زمینه مسائل منطقه‌ای و هسته‌ای صورت گیرد. ایالات متحده آمریکا تلاش می‌کند که به جنگ غزه پایان دهد و فرآیند جدیدی را آغاز کند که به یک راهکار دودولتی منتهی شود. ایران هم اخیراً در رای به بیانیه‌های مختلف که در آن به راهکار دودولتی اشاره شده بود، از جمله در نشست مشترک اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی و همچنین در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، رای مثبت داده است. به نظر من ایران باید سازنده‌تر به این هدف کمک کند و از اجماع جهانی و منطقه‌ای برای این هدف حمایت کند و نقش پیشین خود را به‌عنوان مانعی برای صلح کنار بگذارد. ایران باید حمایتش را از گروه‌های نیابتی کاهش دهد و مسیر گذشته را دنبال نکند.

حمله ایران و ایالات متحده آمریکا به منافع یکدیگر مسئله جدیدی نیست. در طول ۴۵ سال گذشته تهران و واشنگتن به‌صورت پیوسته، مستقیم یا غیر مستقیم به یکدیگر حمله می‌کردند. من معتقدم مادامی که تغییر بنیادین در روابط دو جانبه این دو کشور پیش نیاید استمرار این حملات نه‌تنها ممکن است، بلکه متأسفانه محتمل است. من فکر می‌کنم که تبدیل شدن ضربات تهران و واشنگتن به یکدیگر به یک رویارویی مستقیم و گسترده منطقه‌ای بعید است. چنین چیزی به نفع هیچ‌کدام از طرفین نیست و مهم‌تر اینکه به نفع منطقه و به شکل کلی‌تر جهان نخواهد بود. به نظر من بهترین راه برای پایان دادن به این درگیری‌ها و رویارویی‌ها تماس مستقیم میان

اراده قوی برای مدیریت بحران



احمد دستمالچیان
سفیر پیشین ایران در اردن و لبنان

رویکرد مدیریت بحران نه آمریکا می‌خواهد که به چنین ریسک پرخطری دست بزند و مادامی که آمریکا نخواهد وارد چنین وضعیتی شود، ایران هم چنین اقدامی انجام نخواهد داد. مگر اینکه کل بحران در منطقه از کنترل خارج شود و بعد در آن صورت شرایط متفاوت می‌شود و دیگر قابل پیش‌بینی نیست. مادامی که دو طرف در حال مدیریت بحران هستند، هیچ دلیلی برای درگیری مستقیم وجود ندارد. اولین اقدام مؤثری که باید انجام شود این است که جلوی جنایت‌های بی‌شمار رژیم صهیونیستی که همه دنیا با آن مخالف هستند، گرفته شود. باید نقطه جوشش بحران در فلسطین از بین برود. هم آمریکا، هم اروپا و هم کشورهای منطقه روی این موضوع اتفاق نظر دارند که بحران غزه باید تمام شود و راه رسیدن کمک‌های بشردوستانه به مردم غزه باز شود و آتش‌بس برقرار شود. نقطه جوشش بحران در منطقه، بحران غزه است. اگر کشورهای منطقه، ایران، آمریکا و سایر کشورها بتوانند با همکاری یکدیگر نتایج را آرام کنند و باعث شوند بحران غزه فروکش کند، آنگاه سایر مسائلی که بین ایران و آمریکا وجود دارد، در یک فرآیند مذاکراتی براساس منافع ملی دو کشور، همانگونه که در گذشته در قالب برجام انجام شد، قابل بررسی است و ممکن است در قالب همان برجام مجدداً توافقی از سر گرفته شود.

به نظر می‌رسد که در وقایع و تحولات سریع سه چهار ماه اخیر ایران و آمریکا هر یک به سهم خودشان تلاش کرده‌اند که بحران را مدیریت کنند و تنش کنترل شده باقی بماند تا کل منطقه به آتش کشیده نشود. رقابت‌هایی صورت می‌گیرد و دو طرف زورآزمایی‌های خودشان را می‌کنند، ولی اصل، مدیریت بحران است که هر دو طرف میل دارند دایره این بحران محدود بماند. شواهد زیادی وجود دارد. آمریکا فشار زیادی روی رژیم صهیونیستی می‌آورد که آتش‌بس را قبول کند، واشنگتن با همپیمانان منطقه‌ای‌اش برای کنترل بحران گفت‌وگومی‌کند. ایران هم همیشه معتقد بوده و هست که باید در یک سطح معینی این بحران کنترل شود و اجازه داده نشود که از حد مشخصی فراتر برود، چون ممکن است که بحران از کنترل نیروهای مقاومت خارج شود. هیچ زمینه و اراده‌ای برای درگیری و رویارویی مستقیم بین ایران و آمریکا وجود ندارد. براساس